

اهداف گردشگری از منظر قرآن

عباس حسین بادامی^۱

چکیده:

قرآن کریم که از جانب خداوند متعال کتاب هدایت می باشد، بیش از ۱۴۰۰ سال پیش به اهمیت گردشگری و سیروسفر تاکید کرده و نوع انسانی را به شکل‌های مختلف دعوت به گردشگری می کند. این همه تاکید و تشویق به گردشگری از سوی خداوند حکیم نمی تواند بی هدف باشد و جا دارد که در مورد اهدافی که قرآن آنرا دنبال می کند تفکر و تعقل شود. با در نظر داشتن همین هدف این مقاله به بررسی «اهداف قرآنی گردشگری» با استفاده از روش تحقیق کتابخانه ای بنیادی توصیفی می پردازد و در این راستا، بیشتر تلاش شده است که از آیات قرآنی با رویکرد تفسیری استفاده شود.

در این مقاله با بررسی بیش از چهل آیه قرآنی و با استفاده از تفاسیر مختلف، نگارنده بدین نتیجه رسیده که قرآن کریم با تاکید و تشویق به گردشگری اهداف گوناگون مادی و معنوی را دنبال می کند که شامل اثبات و تثبیت اصول دین (اعم از توحید، نبوت و معاد)، جهان شناسی، عبرت گیری از جهت های مختلف، تفقه در دین، تامین معاش، ایجاد وحدت و الفت بین اقوام، کسب علم، گسترش عدالت در جهان، خدمت به مردم و انجام وظایف الهی، می شود.

کلید واژه ها: گردشگری - سیروسفر - قرآن - جهانگردی - هدایت - عبرت

^۱ دانش پژوه کارشناسی ارشد رشته فقه و اصول اسلامی مجتمع آموزش عالی اصفهان



مقدمه:

گردشگری جایگاه ویژه در زندگی انسان دارد و بخشی از زندگی اجتماعی وی می باشد به طوری که نوع انسانی هیچ وقت از این نعمت بزرگ الهی بی نیاز نبوده است. قرآن کریم که از جانب خداوند متعال کتاب هدایت می باشد، بیش از ۱۴۰۰ سال پیش به اهمیت گردشگری و سیروسفر تاکید کرده و نوع انسانی را به شکل‌های مختلف دعوت به گردشگری می کند. گاهی با استفاده از صیغه امر «فسيروا فی الأرض» و گاهی با به کارگیری استفهام توییحی «افلّم یسیروا فی الأرض» و گاهی با بیان داستان‌های انبیاء قبلی که برای انجام وظایف الهی مهاجرت می کردند... این همه تاکید و تشویق به گردشگری از سوی خداوند حکیم نمی تواند بی هدف باشد و جا دارد که در مورد اهدافی که قرآن آنرا دنبال می کند تفکر و تعقل شود. با در نظر داشتن همین هدف این مقاله به بررسی «اهداف قرآنی گردشگری» با استفاده از روش تحقیق کتابخانه ای بنیادی توصیفی می پردازد و در این راستا، بیشتر تلاش شده است که از آیات قرآنی با رویکرد تفسیری استفاده شود.

با بررسی برخی از آیات قرآن کریم، نگارنده به این نتیجه رسیده است که قرآن کریم با تاکید و تشویق به گردشگری اهداف گوناگون مادی و معنوی را دنبال می کند که شامل اثبات و تثبیت اصول دین، جهان شناسی، عبرت گیری از جهت های مختلف، تفقه در دین، تامین معاش، ایجاد وحدت و الفت بین اقوام، کسب علم، گسترش عدالت در جهان، خدمت به مردم، انجام وظایف الهی... می شود. در روند این مقاله به بررسی تک تک این اهداف خواهیم پرداخت.

۱- رسیدن به توحید و حقایق عالم:

عشق به آگاهی و آشنائی به جهان هستی در درون جان همه ما است. همه ما به راستی می خواهیم بدانیم که این موجودات رنگارنگ، پرندگان زیبا، ماهیان گوناگون، دریاها و کوهها، شکوفه ها و گل ها، انواع درختان سر به آسمان کشیده و ... خود به خود به وجود آمده اند، یا این نقشهای عجیب بدست نقاشی ماهر و توانا و چیره دست، کشیده شده است؟ برای رسیدن به پاسخ این سوال مهم راههای مختلف وجود دارد که می توان به عنوان سریع ترین آن به دو راه اشاره نمود یکی «راه درون» و دومی «راه برون». در راه درون انسان برای رسیدن به حقایق عالم به اعماق وجود خود نگاه می اندازد و ندای توحید را از درون جان خود می شنود اما در راه دوم انسان باید برای ادراک حق در عالم پهناور آفرینش به گردش به پردازد و نشانه های خدا را در پیشانی تمام موجودات و در دل هر ذره ای مشاهده کند. (رک مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۲۵) قرآن کریم در سوره مبارک فصلت به همین دو راه به عنوان «آیات انفسی» و «آیات آفاقی» اشاره می کند:

سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أ وَ لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ
(فصلت/۵۳)

در این آیه خداوند متعال می‌فرماید، بزودی حجتها و نشانه‌های خود را بر توحید در آفاق جهان و اقطار آسمانها و زمین از خورشید و ماه و ستارگان و گیاهان و درختان، و دریاها، و کوهها، و لطائف صنعت و بدایع حکمت آفرینش وجود خودشان، به آنان نشان خواهیم داد تا برای آنان ظاهر شود که خداوند حق است. (رک کاشانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۶۴)

مطلبی که در این بحث مورد نظر می‌باشد و می‌تواند یکی از اهداف گردشگری باشد، گردشگری و استفاده از راه برون جهان شناسی و مشاهده آیات آفاقی برای ادراک خالق هستی می‌باشد. یعنی برای پی بردن به حقایق عالم همچون آفرینش خورشید و ماه و ستارگان با نظام دقیقی که بر آنها حاکم است، و آفرینش انواع جانداران و گیاهان و کوهها و دریاها با عجائب و شگفتیهای بی‌شمارش، و موجودات گوناگون اسرار آمیز، که هر زمان اسرار تازه‌ای از خلقت آنها کشف می‌شود، و هر یک آیه و نشانه است بر حقانیت ذات پاک او که هر گوشه‌ای از آن کتابی است از معرفت پروردگار و خالق جهان و اگر انسان صدها هزار سال نیز عمر کند هر زمان کشف تازه و ارائه جدیدی از آیات الهی خواهد داشت، چرا که اسرار این جهان پایان پذیر نیست. تمام کتابهای علوم طبیعی در تمام ابعادش و علوم مربوط به شناخت گیاهان و حیوانات، و مواد آلی طبیعت، و هیئت، و غیر آن، در حقیقت همه کتب توحید و معرفه الله هستند، چرا که عموماً پرده از روی اسرار شگفت‌انگیزی بر می‌دارند که بیانگر علم و حکمت و قدرت بی‌پایان آفریننده اصلی این جهان است. (رک مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۳۲۹)

۲- اثبات معاد و دعوت به باستان شناسی:

قرآن کریم در برخی از آیات انسان را دعوت می‌کند به سیر روی زمین، و می‌توان اهداف مختلف گردشگری را از این آیات استخراج کرد. در یکی از این آیات خداوند متعال می‌فرماید که بگردیم و آثار موجودات زنده نخستین را ببینیم و در آن تفکر کنیم:

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
(العنكبوت/۲۰)

شیخ طوسی، استدلال نهفته در این آیه در مورد معاد را اینگونه توضیح می‌دهد: در زمین سیر کنید و بنگرید که چگونه خداوند موجودات نخستین را بدون سبب آفریده و بدانید که اعاده خلق یعنی وقوع معاد هم همینطور خواهد بود یعنی خدایی که قادر است بار اول بدون سبب خلق کند می‌تواند دوباره هم بدون سبب خلق کند.

(رک طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۱۹۶) امروز این آیه برای دانشمندان معنی دقیقتر و عمیقتری می‌تواند ارائه دهد و آن اینکه بروند و آثار موجودات زنده نخستین را که به صورت فسیلها و غیر آن در اعماق دریاها، در دل کوهها، و در لابلای طبقات زمین است ببینند، و به گوشه‌ای از اسرار آغاز حیات در کره زمین و عظمت و قدرت خدا پی برند و بدانند که او بر اعاده حیات قادر است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۳۷)

۳- بررسی تاریخ گذشتگان و عبرت گیری:

قرآن مجید دوره‌های گذشته را با زمان حاضر و زمان حاضر را با تاریخ گذشته پیوند میدهد و پیوند فکری و فرهنگی نسل حاضر را با گذشتگان برای درک حقایق لازم و ضروری میداند. زیرا از ارتباط و گره خوردن این دو زمان وظیفه و مسئولیت آیندگان روشن می‌شود. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ (آل عمران/۱۳۷)

در امم سابقه نسبت به انبیاء سلف دو طریقه بوده، یک قسمت آنها کسانی بودند که به انبیاء خود ایمان آوردند و گرویدند و اطاعت نمودند و بالاخره به سعادت دنیا و آخرت نائل شدند مثل مؤمنین به حضرت نوح علیه السلام که از غرق نجات یافتند و تمام کره زمین در تصرف آنها آمد و مؤمنین به حضرت هود، صالح، لوط، شعیب موسی، یونس و سایر انبیاء علیهم السلام و قسمت دیگر آنها کسانی بودند که تکذیب انبیاء خود نمودند و به عذابهای از قبیل غرق و خسف و صیحه و باد و غیر اینها در دنیا گرفتار شدند. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۳۶۴) پس قرآن مجید در این آیه و آیاتی مشابه آن (التحل/۳۶؛ الانعام/۱۱؛ النمل/۶۹؛ الروم/۴۲؛ یوسف/۱۰۹؛ الحج/۴۶؛ الروم/۹؛ فاطر/۴۴؛ غافر/۲۱؛ غافر/۸۲؛ محمد/۱۰) دستور می‌دهد در زمین سیر کنند و بنگرند پایان کار کسانی که کافر شدند، و پیامبران خدا را تکذیب کردند و بنیان ظلم و فساد را در زمین گذاردند، چگونه بود؟ و سرانجام کار آنها بکجا رسید؟ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۱۰۲) و از سرگذشت امتهای گذشته عبرت بگیرند، و سرانجام پادشاهان و فراعنه طاغی را ببینند که چگونه قصرهای رفیعشان به دردشان نخورد، و ذخیره‌های موزه سلطنتیشان، و تخت مزین به جواهرشان، و لشکر و هوادارانشان سودی به آنان نبخشید، و خدای تعالی همه را از بین برد، و چیزی به جز سرگذشتی که مایه عبرت باشد از آنان باقی نماند. (رک طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۲۱)

۴- ادراک قدرت بی پایان خداوند منان:

در یکی از آیات سوره توبه، خداوند متعال به تمام مشرکان (بت پرستان) اعلام می‌کند که هر گونه پیمانی با مسلمانان داشته‌اند، لغو خواهد شد. سپس برای آنها یک مهلت چهار ماهه قائل می‌شود، که در این مدت

بیاندیشند، و وضع خود را روشن سازند، و پس از انقضای چهار ماه یا باید دست از آئین بت پرستی بکشند و یا آماده پیکار گردند (رک مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۲۸۲):

فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُحْزِي الْكَافِرِينَ (التوبة/۲)

ولو این آیه خطاب به مشرکان است اما شان نزول مخصوص آیه نمی باشد و می توانیم از این آیه برای بررسی اهداف گردشگری در قرآن استفاده کنیم.

«سیاحت» به معنای راه افتادن و در زمین گشتن است، و به همین جهت به آبی که دائما روان است «سائح» می گویند. (رک طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۱۴۷) پس آیه امر می نماید که سیاحت کنید و گردش نمائید در نقاط زمین هر کجا که بخواهید و بدانید که شما محققا نمیتوانید خداوند عالم را عاجز کنید و قدرت او را بگیرید. (رک طیب، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۱۷۲)

۵- تفقه در دین و انزار:

طبق آیه ۱۲۲ سوره توبه مسلمانان وظیفه دارند که به عنوان یک واجب کفایی از هر قوم و جمعیتی عده‌ای برخیزند، و برای فرا گرفتن معارف و تعلیمات اسلام به مراکز بزرگ اسلامی بروند، و پس از فرا گرفتن علوم، به شهر و دیار خود بازگردند، و به تعلیم دیگران بپردازند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۹۲):

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ (التوبة/۱۲۲)

این آیه راجع به تحصیل علم و معرفت در عقائد و احکام است که اشخاصی که دوردستند و ایمان آوردند لازم نیست تمام آنها هجرت برای تحصیل معارف و احکام کنند بلکه یک دسته از آنها هجرت کنند و تحصیل معارف و احکام کنند و برگردند و به بقیه تعلیم کنند و آنها را انداز کنند از ارتکاب مناهی و باید آنها هم حذر کنند و لذا اجماع علماء است بر وجوب تحصیل علم و اجتهاد به وجوب کفایی به مقدار ما به الکفایه و سپس در اوطان خود بیایند و به دیگران خبر دهند و بر آنها واجب است اخذ کنند و عمل نمایند. (رک طیب، ۱۳۷۸، ج ۶، ص ۳۳۳)

۶- تجارت (تامین معاش) و ایجاد وحدت و الفت بین اقوام:

در دوران جاهلیت مکه سر زمینی بود که در آن برای اهالیانش نه نانشان تامین بوده و نه جانشان، و نه سر زمین خرمی بود که دیگران بدانجا آیند، و نه جان دیگران در آنجا تامین می شد. (رک طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۶۳۱)

بدین خاطر تا قبل از ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله، معاش قریش از دو رحلت تابستانی و زمستانی به یمن و شام تامین می‌شد، از مکه پوست و محصولات دریایی و کالاهایی که در ساحل دریا پیاده می‌شده از قبیل فلفل و امثال آن را بار می‌کردند و به شام می‌بردند، و در شام جامه و آرد خالص و حبوبات خریداری می‌کردند و همین مسافرت باعث می‌شد وحدت و الفتی در بینشان برقرار گردد، هر وقت به یکی از این دو سفر دست می‌زدند یکی از بزرگان قریش را رئیس خود می‌کردند، و زندگیشان از این راه تامین می‌شد. (رک قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۴۴۴) آیه ذیل به همین امر اشاره می‌کند:

لَيْلَافٍ قَرِيْشٍ * اِلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَ الصَّيْفِ (قریش ۱/۲)

پس از قضیه عامل الفیل که قوم ابرهه با ابابیل و حجاره سجیل هلاک شدند و این قضیه در دنیا صدا کرد همه فهمیدند که این بیت محترم است و اهل این بیت محترم و شریف و بزرگ هستند، پس قریش خیالشان امن شد هر کجا میخواستند بروند با کمال امنیت میرفتند و این نعمت بزرگی بود که خداوند به آنها عنایت فرمود. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۲۳۶)

۷- مشاهده آیات عظمت الهی:

خداوند متعال در آغاز سوره اسراء در مورد سفر خارق العاده پیامبر صلی الله علیه وآله در شب معراج به ما خبر می‌دهد:

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (الاسراء ۱)

واژه «آسری» نشان می‌دهد که این سفر، شب هنگام واقع شد، زیرا «اسراء» در لغت عرب به معنی سفر شبانه است، در حالی که کلمه «سیر» به مسافرت در روز گفته می‌شود. کلمه «لیلاً» در عین اینکه تأکیدی است برای آنچه از واژه «آسری» فهمیده می‌شود، این حقیقت را نیز بیان می‌کند که این سفر، بطور کامل در یک شب واقع شد، و مهم نیز همین است که فاصله میان مسجد الحرام و بیت المقدس که بیش از یکصد فرسخ است و در شرائط آن زمان می‌بایست روزها یا هفته‌ها بطول بیانجامد، تنها در یک شب رخ داد. (رک مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۷)

هدف از این سیر مشاهده آیات عظمت الهی بوده، همانگونه که دنباله این سیر در آسمانها نیز به همین منظور انجام گرفته است تا روح پر عظمت پیامبر ص در پرتو مشاهده آن آیات بینات، عظمت بیشتری یابد و آمادگی

فزونتری برای هدایت انسانها پیدا کند. (رک مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۷) در آیات سوره نجم که به دنباله این سفر، یعنی معراج در آسمانها اشاره می کند نیز می خوانیم:

لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ (النجم/۱۸)

در مورد هدف معراج وقتی ثابت بن دینار از امام سجاده علیه السلام سوال کرد، امام علیه السلام در جواب فرمودند که معراج برای این بود که خداوند ملکوت آسمانها و مصنوعات عجیب و مخلوقات بدیعی را به پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم نشان دهد:

عن ثابت بن دینار قال: سألت زين العابدين علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عليهم السلام عن الله جل جلاله هل يوصف بمكان؟ فقال: تعالى عن ذلك، قلت: فلم اسرى نبيه صلى الله عليه وآله الى السماء؟ قال: ليريه ملكوت السموات و ما فيها من عجائب صنعه و بدائع خلقه. (ابن بابويه، ۱۳۷۶، ص ۱۵۰؛ ابن بابويه، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۳۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۳۰۲؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۹۹)

۸- کسب علم و معرفت:

در مورد داستان حضرت موسی و خضر علیه السلام در روایات و کتب تفسیری آمده که وقتی موسی علیه السلام خطبه بسیار بلیغی بیان نمود، اصحابش گفتند آیا خداوند کسی را خلق فرموده که داناتر از شما باشد فرمود نمیدانم. جبرئیل نازل شد که در مجمع البحرين کسی هست داناتر از شما، حضرت موسی عاشق ملاقات او شد. (طیب، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۳۷۸) ادامه این داستان در قرآن کریم در سوره کهف از آیه ۶۰ الی ۸۲ بیان شده و از داستانهای است که با بسیار تفصیل در قرآن مطرح شده.

حضرت موسی علیه السلام برای دیدار این شخصیت رخت سفر را بست و همه زحمات سفر را بجان خریده وقتی نزد ایشان رسید از وی پرسید که آیا حاضر هستی از آنچه که پروردگار تو را آموخته به من هم یاد دهی؟

قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَيْتَكَ عَلَىٰ أَنْ تَعْلَمَ مِنِّي مَا عَلَّمْتَ رُشْدًا (الکهف/۶۶)

این ماجرای حضرت موسی و خضر علیه السلام به ما یاد می دهد که حتی یک پیغمبر اولو العزم که آگاهترین افراد محیط خویش است باز دامنه علم و دانشش در بعضی از جهات محدود است و به سراغ معلمی می رود که به او درس بیاموزد، او هم درسهایی که هر یک از دیگری عجیبت است به او یاد می دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۷۹)

۹- گسترش عدالت در جهان و خدمت به مردم:

در سوره کهف در مورد گردشگری یک داستان جالب بیان شده که مربوط به ذو القرنین می باشد. ذو القرنین کسی است که افکار فلاسفه و محققان را از دیر زمان تا کنون به خود مشغول داشته، و برای شناخت او تلاش فراوان کرده‌اند. خداوند اسباب وصول به هر چیزی را در اختیار ذو القرنین گذارده بود: عقل و درایت کافی، مدیریت صحیح، قدرت و قوت، لشکر و نیروی انسانی و امکانات مادی خلاصه آنچه از وسائل معنوی و مادی برای پیشرفت و رسیدن به هدفها لازم بود در اختیار وی بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۵۲۶)

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الذِّقْرِينِ قُلْ سَأَتْلُوا عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا * إِنَّا مَكِّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَءَاتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبِيلًا (الکهف/ ۸۴ - ۸۳)

مهم ترین چیزی که از تاریخ زندگی ذوالقرنین در قرآن آمده است ، مسافرت های سه گانه او به نقاط مختلف دنیا است. مسافرت به مغرب، مسافرت به مشرق و برگشت از مشرق به طرف کوه های یاجوج و ماجوج. (رک الکهف / ۹۸ - ۸۳) باید توجه داشت که ذکر مشرق و مغرب به خاطر آن نیست که او فقط به مشرق و مغرب سفر کرده، بلکه منظور این است که از محل زندگی خود تا مغرب و از آنجا تا مشرق و از مشرق تا محل کوه های یاجوج و ماجوج مسیری طولانی را طی کرده است. ذکر این مناطق شاید بدان جهت است که پرسش سؤال کنندگان درباره ذوالقرنین همین بوده؛ یعنی پرسیدند آن شخصی که به مشرق و مغرب عالم سفر کرد تا به سد یاجوج و ماجوج رسید که بود؟ اما این که هدف او از این کار چه بوده، از شکل بیان آن در قرآن کریم، چنین به نظر می رسد که او به منظور گسترش عدالت در جهان و خدمت به مردم سفر می کرده است.

۱۰- بهره مندی از هدایت و راهنمایی خداوند و انجام وظایف الهی:

حضرت ابراهیم علیه السلام پس از رهایی از آتش نمرودیان از وطن خویش هجرت کرد و رو به سوی سرزمین فلسطین و شام نهاد. سرزمینی که قرآن آن را برای جهانیان پر برکت می داند آن جا که می فرماید:

وَنَجَّيْنَاهُ وَنُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ (الانبیاء/ ۷۱)

این هجرت در حالی آغاز شد که حضرت ابراهیم علیه السلام از مردم وطن ناامید شده بود و جز عده اندکی همگی با او با دشمنی و کینه توزی رفتار می کردند. قبل از آغاز هجرت ابراهیم علیه السلام در خطاب به قوم خودش فرمود که از آنها و از آنچه جز خدای یکتا می پرستند بیزار است و آنها را کافر می شمارد و میان خودش و قومش همیشه دشمنی و کینه توزی خواهد بود تا وقتی که به خدای یکتا ایمان بیاورند.

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَّاءٌ وَآءٌ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ (الممتحنة/٤)

از میان افراد سرشناس جامعه، تنها حضرت لوط عليه السلام به ایشان ایمان آورد، و در هنگام هجرت با او همسفر شد.

فَأَمَّنَ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَى رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (العنكبوت/٢٦)

تمام امید حضرت ابراهیم عليه السلام آن بود که در پرتو این هجرت از هدایت و راهنمایی پروردگارش بهره مند شود و در محیطی مناسب تر به تبلیغ رسالت و انجام وظایف الهی بپردازد. (قنادی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۵)

وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَى رَبِّي سَيَهْدِينِ (الصافات/٩٩)



جمع بندی و نتیجه گیری:

با بررسی بیش از چهل آیه قرآنی و با استفاده از تفاسیر مختلف، بدین نتیجه می‌رسیم که قرآن کریم با تاکید و تشویق به گردشگری اهداف گوناگون مادی و معنوی را دنبال می‌کند که شامل اثبات و تثبیت اصول دین (اعم از توحید، نبوت و معاد)، جهان‌شناسی، عبرت‌گیری از جهت‌های مختلف، تفقه در دین، تامین معاش، ایجاد وحدت و الفت بین اقوام، کسب علم، گسترش عدالت در جهان، خدمت به مردم و انجام وظایف الهی، می‌شود.



منابع:

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، الأمالی للصدوق، تهران: کتابچی، چ ۶
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵ش)، علل الشرائع، قم: کتاب فروشی داوری، چ ۱
۳. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت، چ ۱
۴. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین، چ ۵
۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چ ۳
۶. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی جا
۷. طیب، سید عبد الحسین (۱۳۷۸ش)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام، چ ۲
۸. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، تفسیر نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان، چ ۴
۹. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷ش)، تفسیر قمی، قم: دار الکتاب، چ ۴
۱۰. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸ش)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۱
۱۱. قنادی، صالح (۱۳۸۹ش)، قصه های قرآن، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، چ ۲
۱۲. کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تهران: انتشارات الصدر، چ ۲
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چ ۱
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶ش)، پنجاه درس اصول عقائد، قم: انتشارات نسل جوان، چ ۱۷